

## تقابل اژدها با جانوران دیگر در اساطیر ایران و جهان

محمد عباسی زاده\*

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۲۰

سید محمود سیدصادقی\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۷

### چکیده

اژدها موجودی افسانه‌ای و عجیب که تقریباً به شکل سوسمار و یا مار غول پیکر تصویر شده و در تمامی اساطیر جهان نقش پررنگی دارد. این موجود اساطیری در فرهنگ تمام ملل به جز چین، نماد پلیدی و ناپاکی است که از دهانش آتش بیرون می‌جهد و دشمن انسان و موجودات دیگر است، و قصد دارد که انسان را از بین ببرد و جهان را نابود کند و در این نقش جنبه اهریمنی و دیوخویی آن بیش‌تر نمایان می‌شود. بر همین اساس، در افسانه‌ها و اساطیر جهان، قهرمانان و پهلوانان پیوسته با این حیوان بدسرشت، در نبرد هستند تا جهان را از وجود آن پاک کنند. حاصل پژوهش نشان می‌دهد که این حیوان بدسرشت و اهریمنی، نه‌تنها با قهرمانان نبرد می‌کند، بلکه با موجودات و جانوران دیگر هم رابطه خوبی ندارد و شواهد و تصاویر به جا مانده از گذشته حکایت از آن دارد که با حیوانات افسانه‌ای دیگر نظیر سیمرغ و شیر هم در حال نبرد بوده است. در تصاویر به جا مانده، حتی نبرد دو اژدها نیز دیده شده است.

**کلیدواژگان:** نبرد اژدها، اساطیر، جانوران، سیمرغ، نماد.

m.yasooj.1398@gmail.com

sadeghi.mahmood33@gmail.com

\* دانشجوی دکترای دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران.

\*\* استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر.

نویسنده مسئول: محمد عباسی زاده

## مقدمه

اژدها به صورت موجودی عجیب در اسطوره‌های ایران و جهان ظاهر شده است. اژدها یا اژدر به معنی «مار یا افعی مهیب و سهمگین با دهان فراخ و گشاد» است. «واژه اژدها که در فارسی، صورت‌های دیگر چون «اژدر»، «اژدرها» و «اژدهاک» دارد، به معنی ماری باشد عظیم بزرگ با دهان فراخ و گشاده که عرب آن را «ثعبان» گوید و کنایه از مردم شجاع و قهرآلود هم هست و رایت و سر علم را نیز گویند و پادشاه ظالم و ضحاک ماران را هم گفته‌اند و لقب ضحاک نیز هست» (رستگار فسایی، ۱۳۷۹: ۵). اژدها تنها موجود اساطیری است که در فرهنگ و کتب تاریخی تمام ملل مثل چین، ژاپن، ایران، مصر، یونان، روم، شمال اروپا و... از آن یاد شده است. در حقیقت اژدها عاملی است از طبیعت جهان ما و طبیعت جان ما که به خود ما بازمی‌گردد و از ما جدا نیست. این موجود افسانه‌ای قرن‌هاست که در کنار ما، در جهان زندگی می‌کند که از جنس واقعیت ملموس نیست، اما واقعیت دارد.

در اساطیر سراسر جهان به جز چین که نماد باروری و قدرت و امپراتوری است، از اژدها به عنوان مخلوقی اهریمنی یاد می‌شود. از این منظر کاربرد نقش اژدها در هنر، تمدن و ادبیات اساطیر جهان به خوبی جلوه‌گر است. می‌توان گفت اژدها حیوانی بدسرشت که نماد پلیدی و بد سیرتی است، همواره رابطه خوبی با حیوانات اساطیری دیگر نداشته و پیوسته با آن‌ها در تقابل و جنگ قرار داشته است. شیر، سیمرغ و حتی اژدهای دیگر، از جمله حیواناتی است که در تصاویر به جا مانده، نبرد و تقابل آن‌ها با اژدها دیده شده است.

## پیشینه تحقیق

درباره موضوع این مقاله که بررسی تقابل اژدها با جانوران دیگر در اساطیر ایران و جهان است، تا کنون کار مستقلی صورت نگرفته است، ولی محققان و پژوهشگران این حوزه از جمله منصور رستگار فسایی در کتاب «اژدها در اساطیر ایران»؛ فرزانه قائمی (۱۳۸۹) در مقاله «تفسیر انسان‌شناختی اسطوره اژدها و بن‌مایه تکرارشونده اژدهاکشی در اساطیر»؛ الهه ایمانی و محمد طاووسی (۱۳۹۰) در مقاله «بررسی تطبیقی بین

اژدهاکشان ایران و هند در اسطوره‌ها»؛ رضا غفوری (۱۳۹۴) در مقاله «نبرد قهرمان با اژدها در روایت‌های حماسی ایران» و راضیه نایب زاده و صمد سامانیان (۱۳۹۵) در مقاله «نقش و مفهوم اژدها در بافته‌های ایران و چین با تأکید بر دوره صفوی ایران و اواخر دوره مینگ و اوایل چینگ چین» تحقیقاتی در این باره انجام داده‌اند.

## اژدها

اژدهاک، ترکیبی از «اژی» به معنی «مار» و «دهاک» است؛ در مورد بخش دوم این نام حدس‌های مختلفی از طرف صاحب‌نظران و محققان زده شده است. برخی معتقدند: «ضحاک معرب «ده آک» و «آک» به معنی «عیب» و این واژه بازگوکننده ده عیب او بوده است» (صدیقیان، ۱۳۷۵: ۱۲۸) که البته چندان توجیه زبان‌شناختی ندارد. «امروزه این واژه را بیش‌تر برآمده از «داس» سنسکریت به معنی اهریمن، وحشی و گزنده می‌دانند» (پورداوود، ۲۵۳۶: ۵۷/۲) یا آن را به سرزمین‌هایی به نام «داهی» نسبت می‌دهند (مولر، ۲۰۰۴: ۲۲۷). در فرهنگ‌های فارسی تعریف «اژدها» را مار بزرگ با دهان گشاده ذکر کرده و نوشته‌اند که به شکل سوسمار بزرگ و دارای دو بال است و آتش از دهان بیرون می‌کند و پاس گنج می‌دارد. «اژدها. [ اَد ] (ا) مار. مار بزرگ» (دهخدا، ذیل واژه). «(أَد) [اوس.] (امر.) = اژدرها. اژدر: ماری است افسانه‌ای با جثه‌ای بزرگ که بال‌ها و چنگ‌های قوی دارد و از دهانش آتش بیرون می‌جهد (فرهنگ لغت معین، ذیل واژه). «جانور افسانه‌ای بزرگ، به شکل سوسمار، گاهی دارای چند سر، دو بال و دهانی که آتش از آن بیرون می‌آید» (انوری، ۱۳۸۲، ج ۱: ۳۴۹).

«به معنی اژدر است که مار بزرگ باشد. کنایه از مردم شجاع و قهرآلود هم هست و رایت و سر علم را نیز گویند. پادشاه ظالم و ضحاک را هم گفته‌اند» (تبریزی، ۱۳۴۲، ج ۱: ۱۱۶). در فرهنگ جهانگیری برای اژدها چهار معنی آمده است: «۱. ماری باشد بزرگ و عظیم‌الجثه و آن را به سبب عظم جثه به صیغه جمع آورده‌اند. ۲. شجاع و دلاور خشمگین بود. ۳. پادشاه ظالم عموماً و به معنی ضحاک. ۴. علم اژدها پیکر را نامند» (انجوی شیرازی، ۱۳۵۱: ذیل واژه). در فرهنگ نام‌های شاهنامه آمده است که: «اژدها،

ضحاک است. ضحاک که فردوسی او را اژدهافش و اژدهاکش نیز خوانده است «رستگار فسایی، ۱۳۷۹: ۶۲».

### اژدها در اساطیر جهان

اژدها (با تلفظ اژدها)، یکی از موجودات افسانه‌ای در فرهنگ‌های جهان است. تقریباً در تمام اساطیر جهان به جز چین، اژدها نمادی از پلیدی و ناپاکی است و قهرمانان پیوسته با آن در ستیزند تا آن را بکشند. «اژدها آب را از بارور کردن بازمی‌دارد و می‌خواهد خورشید و ماه را فرو برد. بنابراین، برای اینکه جهان بماند، باید اژدها نابود شود. این مفهوم اساطیری اژدها به عنوان نیروی اصلی اهریمن و به گونه دشمن آفرینش در دین‌ها و ادبیات گوناگون پیدا شده است» (واحدوست، ۱۳۷۹: ۳۱۵). ریشه واژه اژدها و «ضحاک» یکی است و صورت‌هایی دیگر چون «اژدر»، «اژدرها» و «اژدهات» دارد، به معنی «ماری است افسانه‌ای و بزرگ، با دهان فراخ و گشاد». اژدها یا اژدر که در زبان اوستایی «اژی» (aži-)، در زبان پهلوی ساسانی (فارسی میانه) «از» (az) و در زبان سانسکریت «اهی» (-ahi) خوانده و نامیده می‌شود، به معنی «مار یا افعی مهیب و سهمگین» است. در متون کهن ایرانی، گاه این واژه به گونه عام به کار می‌رود. در دانشنامه مزدیسنا آمده است: «در اوستا، ضحاک به صورت اژی‌دهاک آمده است. این اسم مرکب است از دو جزء، اولی که اژی باشد خود جداگانه غالباً در اوستا آمده است. در فرگرد اول و ندیداد، در بند ۲ اهورامزدا می‌گوید: نخستین کشوری که من بیافریدم آریاویش می‌باشد که در آنجا بلای (= پتیاره) اژی (مار) سرخ نیز به وجود آمد. در بندهای ۵ از فرگرد ۱۴ و بند ۶۵ از فرگرد ۱۸ و در بند ۹ از آبان‌یشت اژی به معنی مار می‌باشد. بسا از اژی یک جانور اهریمنی اراده شده است. درست به همان معنی که امروز از کلمه اژدیا یا اژدر در فارسی برمی‌آید. در یسنای ۹، دهاک نیز جداگانه به معنی یک مخلوق اهریمنی دیوسیرت به کار رفته است. برخی آن را به معنی دارنده آک (عیب) دانسته‌اند. در یسنای ۱۱، بند ۶ غالباً اژی با کلمه دهاک یک جا آمده، از آن نیز یک مخلوق دیوسیرت اراده می‌شود» (ر.ک: اوشیدری، ۱۳۸۶: ۱۰۲). در سراسر اساطیر ایران، اژی دهاک، به شکل ماری ویرانگر (دیو طوفان و قحطی) که به دوران طلایی حکومت‌ها

خاتمه می‌دهد، ظاهر شده است. بنابراین در اسطوره، شناخته‌ترین سیمای اژدها، مار است. بنا بر باورهای باستانی ایران، می‌توان بیان داشت که گاهی مار نمادین با ویژگی‌های خاصی همچون بزرگی و دم آتشین داشتن می‌تواند همان اژدهای اسطوره‌ها باشد. «آنچه مسلم است، اینکه از اژدها در اوستا به عنوان «شاه» ذکر نرفته است، بلکه از او به عنوان اژدهایی که به نابود کردن مردم و آنچه بر زمین است، آمده و به عنوان قوی‌ترین دروغی که اهریمن بر ضد جهان مادی یاد شده است. البته این اژدهای اوستا، قادر است مانند مردم، ایزدان را نیایش کند، برای آن‌ها قربانی کند و از ایشان پیروزی در نبرد را بخواهد؛ ولی در اوستای موجود سخنی از نشستن او به جای جمشید و حتی سخنی از این نیست که او فرمانروای جهان بوده و فریدون سلطنت را از دست او به در آورده است» (بهار، ۱۳۶۲: ۱۵۳).

اژدها در دنیای ایران باستان شامل دو نوع نیروی شر متداول بوده است. «آن‌هایی که مستقیم به پیکر انسان حمله می‌کردند و آن‌هایی که دنبال فرصت بودند تا به انسان و دام‌هایش ضرر برسانند. در دین‌های باستانی بر این اعتقاد بودند که کشتن اژدها به دست پهلوانان، آزاد ساختن ابرهای آسمان و آب‌های زمینی را در پی داشته است» (گرن، ۱۹۹۹: ۹۱). «اژدها قهرمان نماد باستان، دیاکو (Deiokes) نخستین پادشاه ماد، کسی بود که توانست قبایل ماد را به صورت یک ملت متحد سازد و بر آنان فرمان براند» (کویاجی، ۱۹۹۳: ۱۱۱). دهاک در ابتدای زندگانی خود زیبا و جذاب و دارای شخصیتی محبوب بوده اما در اثر کرده‌های زشت و بزهکاری خویش مورد نفرین آتنا قرار گرفت. در روزگار او از بدی‌ها و جنگ خبری نبود. وی از پشتیبانی و محبوبیت ملی کم‌نظیری برخوردار بوده و در دینکرد گفته شده مردم شمال ایران به فریدون چنین می‌گویند: «چرا اژدها را شکست دادی او فرمانروای نیکی بود و خطر را از مردم دور می‌داشت» (همان: ۶۱۴). در جای دیگری از دینکرد می‌خوانیم که قبایل و اقوام شکارگر و وحشی شمالی علاقه زیادی به دهاک داشتند و او را فرمانروای نیک دیوها و آدمیان می‌نامیدند (همان: ۱۱۹). «اژدها، ماری است سیاه که در صحراها و کوه‌ها به وجود می‌آید و سیل و آب و باران را به طرف دریا می‌راند و از حیوانات دریایی تغذیه می‌کند و پیکرش بزرگ و عمرش دراز می‌شود» (مسعودی، ۱۳۶۵: ۱۲۰).

در افسانه‌های چین هم اژدها حضوری چشمگیر دارد با این تفاوت که این اژدها نشانی از پلیدی و ناپاکی با خود ندارد. «در نظر چینی‌ها، نه‌تنها اژدها مخلوق شوم و وحشتناکی نیست؛ بلکه یکی از خدایان است و یار و یاور مردمی است که او را می‌پرستند و معتقدند که او ضامن سلامتی و سعادت و آرامش است. چون بادها و آب‌ها به فرمان او هستند» (واحد دوست، ۱۳۷۹: ۳۱۶). از این منظر می‌توان گفت اژدها قدرت معنوی و روحانی و نشان باستانی اسطوره‌های شرقی و خاصه چین و جزئی لاینفک از موضوعات هنر چین است. تمدن و فرهنگ چین از کهنسال‌ترین تمدن‌ها و فرهنگ‌ها و اژدها از مهم‌ترین کهن‌الگو در فرهنگ این کشور به حساب می‌آید. اسطوره‌شناسی چینی روایت‌های مقدسی را مطرح می‌کند و این روایات مقدس درباره چگونگی آفرینش جهان و خدایان است. «دو خدا به نام‌های فوشییا فوسی و نوگوا، خدایان مقدس مؤسس جهان چینی به شمار می‌رفتند و دم‌های اژدهایی آنان به هم پیوسته بود» (فیتس جرال، ۱۳۸۴: ۲۶۶).

در اساطیر چین، معمولاً اژدها وجه منفی ندارد. در باور چینی‌ها «اژدها نماد: ۱. خاقان، ۲. آسمانی و پاسدار کاخ خدایان، ۳. روح و فرمانده باران، ۴. زمینی و مایه پاکی رود، ۵. پاسدار گنج و خزاین منفی، شمرده می‌شود» (رضابیگی، ۱۳۸۷: ۱۶۳). در عقاید سنتی چینیان، اژدها هیولایی خیرخواه و نماد ربوبیت و سلطنت و نشانه رونق و باروری است و با طوفان و باران ارتباط دارد. از هزاره سوم (پ.م)، اژدهای پنج پنجه نماد قدرت امپراتوری چین شد و متعلقات امپراتوری از جمله تخت- اژدها، قایق- اژدها و پلکان- اژدها، تداعی‌کننده اژدها بودند. بر اساس باور عامه، چهار شاه- اژدها بر چهار دریا و نزول باران نظارت داشتند و در ایام خشک‌سالی، هدایایی در معابد کنار چاه‌ها به آنان پیش‌کش می‌شد تا بر سر لطف آیند.

در اساطیر هند نیز مانند ایران، اژدهایی وجود دارند که باعث خشک‌سالی بوده‌اند و ابرها و آب‌ها زمانی رها و روان شده‌اند که خدا یا قهرمانی اژدها را کشته است. «در حقیقت، خدایان هندی رشدیافته قهرمانان اژدهاگش پیشین‌اند. کارکردهای اژدها در ادبیات دوره میانه (زردشتی و مانوی) از پیش از آن بیش‌تر به چشم می‌خورد. بررسی در این زمینه نشان می‌دهد که اژدها در آیین بودیسم مفهومی سمبلیک و نمادین داشته و

نشان خاص امپراطور چین بوده است» (زکی، ۱۳۸۴: ۶۳). همچنین «از لحاظ طریقت بودایی، اژدها یک روح کیهانی است که نماد رؤیاهای برگزیده تنویر افکار است» (هال، ۱۳۸۳: ۲۲).

## تقابل اژدها

چنانکه بیان شد اژدها در گستره اساطیر جهان، به جز چین، نیرویی پلید و نماد خشک‌سالی بوده که با حبس ابرها، آن‌ها را از باریدن بازمی‌داشته و زمینه پژمردن طبیعت را فراهم می‌آورده و لذا نبرد با اژدها در حکم ستیز با خشک‌سالی تصور می‌شده است. همین موضوع باعث شده که در اساطیر جهان قهرمانانی برای از بین بردن آن به نبرد و تقابل با آن پردازند و سعی کنند آن را به هر نحو از بین ببرند و جهان را از یک موجود اهریمنی و پلید نجات دهند. ویدن‌گرن معتقد است: «تصور این است که اژدهایی بر جهان حکمرانی می‌کند و خشک‌سالی همه جا را گرفته است. قهرمانی مقدس پدید می‌آید و دژ را می‌گیرد یا اژدها خود را در حصار می‌گیرد. پیروزی بر اژدها باعث رهایی آب‌هایی می‌شود که اژدها در دژ فرو گرفته بود و زنانی که اژدها در دژ و در بند داشت به دست قهرمان می‌افتد؛ باران آغاز به باریدن و زمین را حاصلخیز می‌کند و خدای جوان به ازدواج با زنان آزاد شده می‌پردازد» (ویدن‌گرن، ۱۳۷۷: ۷۵).

معمولاً اژدها در ملل جهان با اشکال حیوانات گوناگونی همچون مار، سوسمار نمود یافته‌اند. «در اساطیر بابلی، مردوک با اژدهای مخوف تیامت (Tiamat) می‌جنگد و او را می‌کشد. در اساطیر هند نیز ورتره (Vritra)، اژدهای هراس‌انگیزی است که آب‌های زمین را یکجا نوشیده و در شکم خود محبوس کرده است؛ به طوری که قحطی و خشک‌سالی جهان را فراگرفت. ایندرا (Indra) خدای جنگ و پیروزی به مبارزه با ورتره می‌رود. او با سلاح خود، واجره، بر اژدها پیروز می‌شود و به زندگی خاکی، هستی و طراوت می‌بخشد» (شایگان، ۱۳۴۶: ۶۶).

قهرمانان و خدایان در اساطیر جهان پیوسته با اژدها در حال نبرد هستند. اگر بپذیریم که این اژدها در حقیقت همان دیو خشک‌سالی است که جهان را از نعمت آب محروم می‌کند، از جمله خدایانی که به نبرد با او می‌پردازد، تیشتر است. «تیشتر،

شخصیت دیگری است که با یکی از پدیده‌های طبیعی؛ یعنی باران ارتباط دارد، اما مفهوم دوگانگی در شخصیت این خدا وجود ندارد. وی نیرویی نیکوکاری است که نبردی گیهانی با آپوشه (پوش)، دیو خشک‌سالی که تباه‌کننده زندگی است، درگیر می‌شود. تیشتر ستاره تابان و شکوهمند، نخستین ستاره و اصل همه آب‌ها و سرچشمه باران و اصل همه آب‌ها و سرچشمه باران و باروری است» (هینلز، ۱۳۷۳: ۳۶).

جان هینلز معتقد است که به اهمیت این ستاره، که بر ریزش باران نظارت دارد، آنگاه می‌توان پی برد که آفت بزرگ خشکسالی ناشی از تابستان، کل ایران‌شهر را تهدید می‌کرد (همان: ۳۸). سرکاراتی هم در کتاب «سایه‌های شکارشده» می‌نویسد: «اینکه دیو آب اوشه (پوش)، گونه‌ای از اژدهای کیهانی بازدارنده آب‌هاست از معنایش معلوم می‌شود که صورت کهن آن *apa - vrtra* است که بازدارنده آب‌ها یا آب‌بندان معنی دارد و هم‌ریشه است با واژه *Vrtra*، اژدهای افسانه‌ای هندی که به دست ایزد ایندرا کشته می‌شود» (سرکاراتی، ۱۳۷۸: ۲۳۸).

بهار نیز نبرد پهلوان با اژدها را کهن‌الگویی اساطیری می‌داند که ژرف‌ساخت آن جز آزادی آب‌ها و به تبع آن افزون‌شدن باروری و برکت نتواند بود (ر.ک: بهار، ۱۳۸۴: ۲۲۶). بررسی‌ها در این زمینه نشان می‌دهد که اژدها به عنوان یکی از زیانکارترین و پلیدترین موجودات اهریمنی در اساطیر و حماسه‌های جهان است که گاهی نگهبان گنج‌های پنهان به شمار می‌آید، برای نابودی این پتیارگان و دست یافتن به آن گنج‌ها، باید بر آن پیروز شد (ر.ک: شوالیه و گربران، ۱۳۸۸: ۱۲۳). بر همین اساس اژدهاکشی از دیرباز تا کنون به عنوان یکی از محوری‌ترین اصول پهلوانی و قهرمانی، در میان اقوام و ملت‌های جهان بوده است و در یک نگاه کلی، می‌توان بیان داشت که «رویاری پهلوان و اژدها، یک زمینه اساطیری جهانی است. نوعی نمودگار و انموذج ذهنی است؛ پندارنگارهای است دیرین، که در ژرفای تاریخ نفس آدمی زاده می‌شود؛ می‌میرد تا دوباره زاده شود و چون بت عیار به شکل دیگر درآید» (سرکاراتی، ۱۳۷۸: ۲۳۷). بر همین اساس است که معمولاً در اساطیر جهان شاهد نبرد قهرمانان با اژدها هستیم. در اساطیر ایران، رستم، پهلوان ایرانی، در خان سوم به مبارزه با اژدها می‌پردازد و سرانجام او را از پای در می‌آورد:



کز و پیل گفتم نیابد رها	ز دشت اندر آمد یکی اژدها
نیامد به فرجام هم زو رها	برآویخت با او به جنگ اژدها
برو خیره شد پهلوان دلیر	بدرید کتفش بدنان چو شیر
فرو ریخت چون رود خون از برش	بزد تیغ و بنداخت از بر سرش
یکی چشمه خون از برش بردمید	زمین شد به زیر تنش ناپدید

(فردوسی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۹۳)

«در میان خدایان جنگجوی ایرانی، بهرام خدای جنگ و پیروزی، در عقاید آریاییان اژدهای حبس‌کننده آب‌ها یا دیو خشک‌سالی را از میان می‌برد و پیدایش باران نتیجه این پیکار است. بنا بر کتاب روایات پهلوی در واقع آتش ورهران باعث پیدایش سامان و نظم و ترتیب در جهان است» (عفی‌فی، ۱۳۶۸: ۶۸).

در آیین هندوان، کریشنا «هشتمین مظهر و تجلی ویشنو، یک از سه خدای بزرگ هندو و یکی از خدایان بسیار محترم و محبوب هندوان است» (اوشیدری، ۱۳۸۶: ۳۹۳). بر اساس اعتقاد هندوان، خدای کریشنا با اژدها می‌جنگد و سرانجام این جانور زیانکار را می‌کشد (فورلانگ، ۲۰۰۸: ۴۱۳). در اساطیر یونان و روم نیز همین موضوع تکرار می‌شود و خدای آپولون سرانجام بر اژدهای زمین غالب می‌شود و آن را می‌کشد (هانس، ۲۰۰۵: ۱۸). در اساطیر بین‌النهرین پیکار مردوک - خدای جنگ - با تیامت - غول اژدها پیکر نخستین - باعث می‌شود لوح تقدیر به دو نیم شود که در ادامه با نیمی آسمان و با نیم دیگر زمین را می‌آفریند (مک‌کال، ۱۳۷۸: ۸۳).

### تقابل اژدها با جانوران

در اکثر فرهنگ‌ها و اساطیر جهان، اژدها موجودی پلید، وحشتناک و زیانبار است که کاری جز خرابی و ویرانگری ندارد. این موجود افسانه‌ای، پیوسته با قهرمانان در نبرد و تقابل است و قهرمانان می‌کوشند جهان را از وجود این موجود بد طینت پاک کنند. این جانور در اغلب فرهنگ‌ها، نماد شر و خرابی است. موجودی ترسناک که وجودش می‌تواند برای جهانیان مایه ویرانی و نابودی باشد. این موجود اهریمنی و ویرانگر، علاوه بر اینکه با قهرمان و پهلوانان پیوسته در تقابل و نبرد است، با حیوانات دیگر هم معمولاً

سر ناسازگاری ندارد. این موضوع را بیش از هر چیز می‌توان در آثار هنری به جا مانده از اساطیر جهان یافت. در تصویر زیر اژدهایی سیاه‌رنگ با چهار بال در حال جدال با گوزن دیده می‌شود.



تصویر ۱: اژدها در تقابل یا جدال با سایر حیوانات (پوپ، ۱۳۸۷، ج ۱۲: ۱۲۰۶)

### سیمرغ و اژدها

سیمرغ، پرنده افسانه‌ای، از جمله موجوداتی است که رابطه خوبی در اساطیر و افسانه‌ها با اژدها نداشته است که در افسانه‌های به جا مانده از گذشته، به دشمنی این دو موجود افسانه‌ای اشاره شده است. شاید تقابل این دو موجود افسانه‌ای، ریشه در همین دشمنی و خصومت داشته باشد. «ماجرای خورده‌شدن بچه‌های سیمرغ به وسیله مار یا اژدها در قصه‌ها و روایات گوناگون آمده است که پهلوانی جوجه‌های سیمرغ را نجات می‌دهد و سیمرغ نیز در عوض این کار به او خدماتی ارائه می‌دهد» (انجوی شیرازی، ۱۳۸۴: ۳۱۲). همچنین در داستان دیگری آمده است که پیرمردی تصمیم می‌گیرد که به راز بخشندگی حاتم طایی پی ببرد، در راه با رازهای مختلفی برخورد می‌کند. در راهش بچه‌های سیمرغ را از دست اژدها نجات می‌دهد، سیمرغ در عوض او را به قلعه گل و نصرالله می‌برد و برمی‌گرداند (ر.ک: پاک، ۱۳۹۱: ۱۷۲).

به نظر می‌رسد که سیمرغ در افسانه‌های عامیانه، قدرت مقابله و مبارزه با اژدها را نداشته است که منتظر پهلوانی می‌ماند تا به او در مقابل اژدها کمک کند. اما سیمرغ اساطیر و حماسه از کارایی بیش‌تری برخوردار است که می‌تواند به مبارزه با اژدها بپردازد. «سیمرغ در نبرد با اسفندیار موجودی است همچون دیگر عناصر اهریمنی و جادویی هفت‌خان مثل گرگ و شیر و اژدها و زن جادو و پیکار با او کاری پهلوانه و نیک است» (مختاری، ۱۳۷۱: ۷۱). وقتی سخن از تقابل سیمرغ و اژدها پیش می‌آید، در حقیقت سیمرغ اساطیری مد نظر است. همان سیمرغ جادویی و ماورائی که با اژدها گلاویز می‌شود. «سیمرغ موجودی است در آن واحد زورمند و ماوراء طبیعی و جادو. سیمرغ محل تجلی طبیعت و ماوراء طبیعت است به نیرومندترین صور خود. چیرگی بر سیمرغ چیرگی بر طبیعت و مابعدالطبیعه است در آن واحد و آلوده شدن به خون او، آلوده شدن به ماده حیات طبیعت و عصاره زندگی ما بعد طبیعت، پهلوان را رویین‌تن می‌سازد» (امیدسالار، ۱۳۸۱: ۲۷). در اساطیر ایرانی، پرندگان چون باز، شاهین، عقاب و سیمرغ از مهم‌ترین نمادهای خورشید محسوب می‌شوند و این موضوع به روشنی در اشعار فارسی نمود یافته است:

به وقت صبح چو سیمرغ آتشین شهپر      ز زیر بال مرصع نمود بیضه زر  
(خواجوی کرمانی، ۱۳۶۹: ۵۹۰)

«جمشید، نمودار خورشید یا جهان روشنایی بوده و تازش اژی‌دهاک (ضحاک) بر جم، نمونه‌ای است از پیکار اژدها با شاهین (سیمرغ). در میان بسیاری از داستان‌های رمزآمیز باستانی، نبرد مار (اژدها) با پرنده سیمرغ به چشم می‌خورد که می‌تواند یادواره‌ای باشد از گزنده‌های یک ستاره دنباله‌دار به جهان روشنایی» (عطایی، ۱۳۷۲: ۷۷). در اساطیر ملل دیگر هم تقریباً همین مضمون وجود دارد؛ «در داستان‌های هندی با پرنده‌ای روبه‌رو می‌شویم به نام گارودا (Garoda) که با مارها و اژدهایان می‌جنگد. او با بال‌های خود، چنان توفانی از گرد و خاک ایجاد نمود که اژدهایان قادر به دیدن او نبودند و آنگاه گارودا، بر سر آن‌ها چنان «تخم‌مرغ‌های خداوندی» فرو ریخت که مارها نابود شده و به تکه‌های ریز تبدیل شدند. در روایت است که او همچنین زبان چند اژدهایی را که به او نزدیک شده بودند، به دونیم کرده بود» (اریک فون، ۱۳۹۱: ۱۵۹).



تصویر ۲: گارودا در حالی که بر پشت خود کریشنا و محبوبه‌اش را حمل می‌کند. قرن ۱۸ میلادی (ذکرگو، ۱۳۷۷: ۲۳۰)

در فرهنگ ایرانی پرنده افسانه‌ای سیمرغ نماد خرد جمعی است و در هنگام مشکلات و سختی‌ها کارهایی انجام می‌دهد که از عهده هر کسی برنمی‌آید. در نبرد رستم و اسفندیار، این سیمرغ است که به کمک رستم می‌شتابد:

ز نیرنگ زالی بدین سان درست و گرنه که پایت همی گور جست

(فردوسی، ۱۳۸۴، ج ۶: ۳۰۱)

«در فرهنگ و ادبیات ایرانی، سیمرغ به عنوان حامی و نگهبان، درمانگر و نماد خرد اشاره شده، ولی اژدها به عنوان دشمن و تجاوزگر معرفی شده است» (خزایی، ۱۳۸۹: ۴۲). در فرهنگ باستان «اژدها(مار) نماد اهریمن و در صدد تسلط بر درخت زندگی است. این امر سبب خشک‌سالی شده و آن در روی زمین به آفت شوری و بدمزگی آمیخته می‌شود، و دو حیوان محافظ با حضور و یا جنگ با مار از تسلط آن بر درخت زندگی جلوگیری می‌کنند» (الیاده، ۱۳۵۶: ۱۳).

بر این اساس می‌توان گفت که اژدها نماد اهریمنی است که در برخی آثار در حال بلعیدن پرنده‌ای دیده می‌شود که در آیین نبرد اژدها با پهلوانان و حیوانات دیگر می‌توان آن را به دادن قربانی برای سیر شدن اژدها و در نتیجه در امان ماندن درخت زندگی نسبت می‌دهند.



تصویر ۳: نقش اژدها در حال بلعیدن پرنده (قرن سیزدهم هجری شمسی) [www.liveauctioneers.com](http://www.liveauctioneers.com)  
در ادبیات عرفانی تقابل اژدها و سیمرغ، در حقیقت رویارویی نفس مطمئنه و نفس اماره به حساب می‌آید، چراکه از نظر عرفا، سیمرغ نماد حق و اژدها نماد نفس اماره است. «اژدها و مار گاه در مثنوی به یک معنا آمده و اغلب به معنی نفس اماره، بلا، دشمن و شهوت و... آمده است» (خیریه، ۱۳۸۱: ۱۷).

مادر بت‌ها، بت نفس شماست  
زانکه آن بت مار و این بت اژدهاست  
(مولوی، ۱۳۸۴ دفتر اول : ۱۲۹)

در فرهنگ چین، اژدها نماد فغفور (لقب پادشاهان چین) و مظهر یانگ؛ یعنی اصل مذکر و آسمان است. «سیمرغ هم نماد ملکه و مظهر «یین»، یعنی اصل مؤنث و زمین است. این دو نیرو ضمن این که متضاد هستند، در عین حال مکمل یکدیگرند» (دانشپور پرور، ۱۳۷۶: ۶۹۱). همچنین در فرهنگ چین حضور اژدها و سیمرغ در کنار یکدیگر، کنایه از ازدواج و پیوند کامل نیز است (خزایی، ۱۳۸۹: ۴۲). بر همین اساس محققان در این باره معتقدند که «اژدها، آفریده‌ای نیکوکار به شمار می‌آید و برای مردم چین، اژدهای امپراتوری، اولین حیوان نیکخواه در میان چهار حیوان مقدس که اژدها، ققنوس، اسب تک‌شاخ و لاک‌پشت هستند، می‌باشد. اژدها، نماد قدرت آسمانی، زمینی، خردمندی و همچنین استقامت است. همه اژدهاهای چینی به جز اژدهای آسمانی بزرگ که دارای تمام انرژی یانگ است، این خصیصه را دارد» (Hann, 2004: 34)



تصویر ۴: (Welch, 1392: 83)

## تقابل شیر و اژدها

اژدها موجودی افسانه‌ای است. موجودی فوق طبیعی که به باور قدما و از نگاه اسطوره‌های گاه از دهانش آتش بیرون می‌جهد و نماد پلیدی و بدی است. بر این اساس با موجوداتی هم که می‌جنگد، مسلماً پیکره افسانه‌ای و اساطیری دارند. یکی از نبردهای مشهور و نمادین که فضایی کاملاً اساطیری و افسانه‌ای دارد، نبرد شیر و اژدهاست که هر دو از موجودات اساطیری می‌باشند. شیر نیز مانند اژدها، موجودی افسانه‌ای با قدرتی فوق‌العاده است که در فرهنگ ایران زمین از سابقه‌ای زیاد برخوردار است. «شیر، در هنر ایران از دلالت‌های معنایی متعددی برخوردار است؛ چنانکه آن را نماد قدرت، میترا، خورشید، تابستان، گرما، پیروزی، آتش و... دانسته‌اند. در دوران باستان، شیر را رباینده روح جانداران گفته‌اند. حضور شیر جهت دفع نیروهای اهریمنی به کار می‌رفته است» (هال، ۱۳۸۳: ۲۷). این جانور با ویژگی‌های خاص در فرهنگ و باورهای مردم جایگاهی خاص دارد.

در باورهای قومی و اساطیری ایران، اژدها نمودار خشک‌سالی است و موجودی است که بر کنار چشمه می‌نشیند و جلوی آب را می‌گیرد. اما شیر نماد ابهت و دلاوری است و در باورهای قومی، نماد باروری زمین به شمار می‌آید. «این جانور تقریباً در تمام تمدن‌های خاور نزدیک سمبل قدرت و سلطنت به کار رفته و با قدرت خورشید برابری کرده است» (دادور، ۱۳۸۵: ۷۴). بررسی روایات حماسی ایران و ملل دیگر نشان می‌دهد که اژدها موجوداتی دوزیست هستند که می‌توانند هم در خشکی و هم در میان آب زندگی کنند. در انواع روایات حماسی، پهلوانی و داستان‌های فولکلوریک مربوط به این جانور و کشتن و نبرد با او گاهی رباینده و مانع آب است.

ایزد یا پهلوان (قهرمان) با نابود کردن آن آب‌ها را آزاد و رودخانه‌ها را روان می‌سازد. «در هنر ایران، نقش مایه شیر بارها در حال جدال با گاو، پلنگ و اژدها و مار دیده شده است. شیر نماد آتش و آتش نماد خورشید و نور است؛ خورشید پاک‌کننده است در برابر اژدهایی که نماد نفس است. بنابراین پیکار شیر با اژدها در واقع نبرد نور بر ظلمت و خیر بر شر است» (رضی، ۱۳۷۱: ۵۷۱). شیر و اژدها نه تنها در فرهنگ و ادبیات و باورهای ایرانی که در افسانه‌ها و اسطوره‌های دیگر ملل نیز در حال تقابل و جنگ

دیده شده اند. «شیر مقتدر، سلطان، نمادی خورشیدی و به غایت درخشان هر چند مظهر قدرت، عقل و عدالت است، اما در عین حال نشانه غایت غرور و خودپرستی است. این همه از او نماد پدر، معلم یا شاهی را می‌سازد که از شدت قدرت می‌درخشد و از نور این درخشش کور شده است. شیر چون خود را حمایتگر می‌داند تبدیل به جباری مستبد می‌شود و همین امر نماد شیر در نوسان دو قطب قرار می‌دهد» (شوالیه، ۱۳۸۵، ج ۴: ۱۱۱)



تصویر ۵: نبرد شیر و اژدها، محمدباقر، آب مرکب، دوره صفویه  
[www.metmuseum.org/islamic art collection (1392/5/22)]

### نتیجه بحث

اژدها در گستره اساطیر ایران و جهان، به جز چین، نماد پلیدی، بدی و خشکسالی است؛ از این رو در همه افسانه‌ها و اساطیر ملل، بی‌ش تر پهلوانان و قهرمانان برای نابودی اژدها و از بین بردن این موجود بدسرشت، به کشتن آن مبادرت ورزیده‌اند. این موجود افسانه‌ای نه تنها پیوسته با قهرمانان و پهلوانان در نبرد و جدال است و شواهد و تصاویر بر این امر صحنه می‌گذارند، بلکه با حیوانات دیگر نیز جدال و تقابل دارد. از آنجا که وجود این حیوان، اساطیری است فقط با حیواناتی در تقابل و جدال است که آن‌ها هم افسانه‌ای و اساطیری می‌باشند. سیمرغ و شیر از جمله حیواناتی هستند که در حال نبرد با اژدها به تصویر کشده شده‌اند. اگرچه در فرهنگ اساطیری چین، اژدها در کنار سیمرغ دیده می‌شود، ولی در فرهنگ ملل دیگر از جمله هند، ایران و... اژدها با حیوانات دیگر در تقابل می‌باشد.

## کتابنامه

- اریک فون، دنیکن. ۱۳۹۱ش، پیام آور گذشته‌ها، ترجمه: م. جواد، تهران: بیگوند.
- امیدسالار، محمود. ۱۳۸۱ش، راز رویین تنی اسفندیار، جستارهای شاهنامه شناسی و مباحث ادبی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- انجوی شیرازی، سیدابوالقاسم. ۱۳۸۴ش، گل به صنوبر چه کرد، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
- انوری، حسن. ۱۳۸۲ش، فرهنگ سخن، تهران: سخن.
- اوشیدری، جهانگیر. ۱۳۸۶ش، دانشنامه مزدیسنا، چاپ چهارم، تهران: مرکز.
- بهار، مهرداد. ۱۳۶۲ش، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: توس.
- پاک، عبدالصاح. ۱۳۹۱ش، افسانه‌های اقوام ایران، تهران: کتاب‌سرای تندیس.
- پوپ، آرتور اپهام. ۱۳۸۷ش، سیری در هنر ایران، ترجمه: نجف دریابندری و دیگران، جلد ۱۱ و ۱۲، چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگی.
- پورداوود، ابراهیم. ۲۵۳۶، یشت‌ها، تهران: دانشگاه تهران.
- خواجوی کرمانی. ۱۳۶۹ش، دیوان اشعار، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری، چاپ دوم، تهران: پاژنگ.
- خیریه، بهروز. ۱۳۸۱ش، نقش حیوانات در داستان‌های مثنوی معنوی، چاپ اول، تهران: نگارا.
- دادور، ابوالقاسم و الهام منصوری. ۱۳۸۵ش، درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان، تهران: دانشگاه الزهرا.
- دانشپورپرور، فخری. ۱۳۷۶ش، نقش اژدها در هنر معماری ایران، مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد ۵، به کوشش باقر آیت اله زاده شیرازی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- رستگار فسایی، منصور. ۱۳۷۹ش، اژدها در اساطیر ایران، چاپ دوم، تهران: توس.
- رستگار فسایی، منصور. ۱۳۷۹ش، فرهنگ نام‌های شاهنامه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رضی، هاشم. ۱۳۷۱ش، آیین میتراثیسم، تهران: بهجت.
- زکی، محمدحسن. ۱۳۶۶ش، تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، ترجمه محمد خلیلی، چاپ اول، تهران: اقبال.
- سرکاراتی، بهمن. ۱۳۷۸ش، سایه‌های شکارشده، چاپ دوم، تهران: قطره.
- شایگان، داریوش. ۱۳۴۶ش، ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، جلد ۱، تهران: امیرکبیر.



شوالیه، ژان و آلن گرابران. ۱۳۸۵ش، فرهنگ نمادها، ترجمه و تحقیق سودابه فضایی، تهران: جیحون.

صدیقیان، مهین دخت. ۱۳۷۵ش، فرهنگ اساطیری - حماسی ایران (پیشدادیان)، جلد ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

عفیفی، رحیم. ۱۳۷۴ش، اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته‌های پهلوی، تهران: توس.  
فردوسی، ابوالقاسم. ۱۳۸۴ش، شاهنامه، به کوشش سعید حمیدیان، از روی چاپ مسکو، ۴ مجلد، چاپ هشتم، تهران: نشر قطره.

فیتس جرال، چالزپاتریک. ۱۳۸۴ش، تاریخ فرهنگ چین، ترجمه: اسماعیل دولتشاهی، تهران: علمی و فرهنگی.

کویاجی، جهانگیر. ۱۹۹۳م، بنیادهای اسطوره و حماسه ایران، تهران: آگه.

مختاری، محمد. ۱۳۷۱ش، اسطوره زال، ج ۲، تهران: توس.

مسعودی، علی بن حسین. ۱۳۶۵ش، مروج الذهب، ج ۱، به اهتمام ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.

مک کال، هنریتا. ۱۳۷۴ش، اسطوره و بازگشت جاودانه، ترجمه بهمن سرکاراتی، چاپ دوم، تهران: مرکز.

مولوی، جلال الدین محمد. ۱۳۷۹ش، مثنوی معنوی، مقدمه و تصحیح: محمد استعلامی، تهران: سخن.

واحد دوست، مهوش. ۱۳۷۹ش، نهادهای اساطیری در شاهنامه فردوسی، تهران: سروش.

ویدن گرن، گئو. ۱۳۷۷ش، دین‌های ایران، ترجمه منوچهر فرهنگ، تهران: آگهان ایده.

هال، جیمز. ۱۳۸۳ش، فرهنگ نگارهای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه: رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.

#### مقالات

خزایی، محمد. ۱۳۸۹ش، «اصول و سنت‌های پایدار در هنر طراحی ایران»، کتاب ماه هنر، شماره ۱۴۴، تهران.

رضاییگی، مریم. زمستان ۱۳۸۷ش، «مقایسه تطبیقی اساطیر ملل مختلف (ایران، چین، ژاپن، یونان، روم، هند، بین‌النهرین)»، ادبیات فارسی، دوره ۵، شماره ۲۰، صص ۱۷۵-۱۵۵.

#### Bibliography

Afifi, Rahim (1374), Iranian Mythology and Culture in Pahlavi Writings, Tehran: Toos  
Anvari, Hassan (1382), Talking Culture, Tehran: sokhan

- Bahar, Mehrdad (1362), A Study in Iranian Mythology, Tehran: tous
- Dadvar, Abolghasem and Mansouri, Elham (1385), An Introduction to Myths and Symbols of Iran and India in Ancient Times, Tehran University of Al-Zahra.
- Daneshpurparvar, Fakhri (1376), The Role of Dragons in Iranian Architectural Art, Proceedings of the First Congress of Iranian Architectural History and Urban Development, Volume 5, by Baqer Ayatollah Zadeh Shirazi, Tehran: Iranian Cultural Heritage Organization
- enjavi Shirazi, Sayyid Abolghasem (1384), Flowers to the Poplar Chase, Fourth Edition, Tehran: Amir Kabir
- Eric Foun, Deniken (1391), Messenger of the Past, translated by M. Javad, Tehran: bigvand
- Ferdowsi, Abolghasem. (1384), Shahnameh, by Saeed Hamidian (Print by Moscow, 4 vols. (9c). Eighth Edition. Tehran: ghatreh Publishing.
- FitsGerald, Chalspatrick (1384) The History of Chinese Culture, Translated by Ismaeil Dolatshahi, Tehran: Scientific and Cultural.
- Forlong, John G. R. (2008). Encyclopedia of Religions: E-m, Cosimo, -Inc. Frawley, David. (1993). Gods, Sages and Kings: Vedic Secrets of Ancient Civilization, Motilal Banarsidass Publ.
- Hall, James, (1383), Iconography of symbols in Eastern and Western art , Translated by: Roghieh Behzadi, Taهران: Contemporary Culture
- Hansen, William F. (2005). Classical Mythology: a Guide to the Mythical World of the Greeks and Romans, Oxford University Press US.
- Heinz, John Russell (1387), Understanding Iranian Myths, Translated by Jaleh Amouzegar and Ahmad Tafazoli, Tehran: cheshmeh.
- Khajavi Kermani (1369), Divan of Poems, edited by Ahmad Soheili Khansari, Second Edition, Tehran: Pazhang
- Khazaei, Mohammad (1389), Sustainable Principles and Traditions in Iranian Design Art, Art Month Book, No. 144, Tehran
- kheyrie, Behrouz (1381), The Role of Animals in the Mathnavi Spiritual Stories, First Edition, Tehran: Negara
- Koyaji, Jahangir (1993), The Foundations of Myth and Epic of Iran, Tehran: Agah
- Masoudi, Ali bin Hossein (1365), moravej of Al-Dahab, Vol. 1, by Abolqasem Payandeh, Tehran: Scientific and Cultural
- McCall, Henrietta (1374), Myth and Eternal Return, Translated by Bahman Sarkarati, Second Edition, Tehran: Center
- Mokhtari, Mohammad (1371), The Myth of Zal, Issue 2, Tehran: Toos
- Molavi, Jalaluddin Mohammad (1379), Masnavi of Mathnavi, Introduction and Correction: Mohammad Estelami, Tehran: sokhan
- Omid Salar, Mahmud (1381), The Secret of Royin Teni Esfandiar, Shahnameh Excerpts and Literary Topics, Tehran: Endowment Foundation of Dr. Mahmoud Afshar
- Oshidari, Jahangir (1386), Mazdisena Encyclopedia, Fourth Edition, Tehran: Center
- Pak, Abdul Sa'ah (1391), Myths of Iranian Ethnicity, Tehran: The tandis Bookstore
- Pope, Arthur Upham (1387), A Survey of Iranian Art, Translated by Najaf Daryabandari et al., Volumes 11 and 12, First Edition, Tehran: Scientific and Cultural
- Pordavood, ebraham (2536), Yashtha, University of Tehran
- Rastegar Fassaei, Mansour (1379), Shahnameh Culture Names , Tehran: Humanities and Cultural Studies Institute

- Rastegar Fassaei, Mansour (1379), *The Dragon in Iranian Mythology*, Second Edition, Tehran: Toos
- Razi, Hashem (1371), *Mithraism*, Tehran: Behjat
- Rezabeygi, Maryam (1387), *A Comparative Comparison of the Myths of Different Nations (Iran, China, Japan, Greece, Rome, India, Mesopotamia)*, *Persian Literature: Winter 1387*, Volume 5, Number 20, pp. 155 -175
- Sarkarati ,bahman (1378), *Hunting Shadows*, Second Edition, Tehran: ghatreh.
- Sediqian, Mahin Dukht. (1375) *Epic-mythical culture of Iran. Volume 1: The pishdadian*. Tehran: Humanities and Cultural Studies Institute.
- Shayegan, Dariush (1346), *Religions and Philosophical Schools of India*, Volume 1, Tehran: Amir Kabir.
- shoalieh, zhan and Grabran, Allen (1385), *Symbol Culture*, Translation and Research by Sudabeh Fazayeli, Tehran: Jeyhun.
- Vahed Doost, Mahvash (1379) *Mythological Institutions in Ferdowsi's Shahnameh*. Tehran: Soroush.
- Welch,Patricia (2013 ), *Chinese Art : A Guide to Motifs and Visual Imagery* .Tuttle Publishing
- Widengren Geo (1377), *Iranian Religions*, Translated by Manouchehr Farhang, Tehran: Idea agahan
- Zaki, Mohammad Hassan (1366), *The History of Iran Industries after eslam* , Translated by Mohammad Khalili, First Edition, Tehran: Iqbal

